

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: دیلوم انجنیر نسرين معروفی

۱۵ جنوری ۲۰۱۷

رابطه اخراج پناهندگان با ختم منافع دولت های متحجر

طوری که همه شاهدیم در اثر حاکمیت دولت دست نشانده سوسیال امپریالیسم شوروی و فجایی را که باند خود فروخته "خلق و پرچم" در حق مردم ستمکش افغان مرتکب شدند، در اواخر دهه ۷۰ میلادی بود که فرار خلق افغان به کشور های همسایه و دیگر نقاط جهان آغاز شده و با استقرار احزاب جنایتکار اسلام سیاسی و حاکمیت ارتجاع سیاه طالبی و از حدود ۱۶ سال بدینسو سلطه اشغالگران دامنه آن بیشتر گسترش یافته و تا جایی که دیده می شود، افغانها هنوز هم بعد از سوریائی ها دومین جمعیت بزرگ پناهجو را در جهان تشکیل می دهند.

تجاوز "سوسیال امپریالیسم شوروی" و اوج جنایات آنها باعث شروع فرار خلق افغان گردید. ابتداء طبقه سرمایه دار و کسانی که صاحب آرگاه و بارگاه بودند و یا این که وظیفه ای در مقامات بلند پایه دولتهای قبلی داشتند، با دسترسی به امکانات فوق، توانستند خود را به کشور های دلخواه و مورد نظر که اکثراً کشور های اروپائی و امریکا بود، برسانند. مگر ۸۰ در صد خلق ستمکش افغانستان در ابتداء با نداشتن امکانات مادی قادر نشدند تا خود را حتا به کشور های همسایه افغانستان، ایران و پاکستان برسانند. زمانی که جنایات حزب به اصطلاح "دموکراتیک خلق" و نیروهای تجاوزگر "سوسیال امپریالیسم روس" گسترش یافت و آنها مانند سگهای زنجیری خونخوار در جست و جو و پالیدن طعمه شده و خلقهای ستمکش و بی سلاح افغان را از زمین و آسمان مورد حملات جنایتکارانه خود قرار دادند، آنها یا باید هدف دم توپ متجاوزان قرار می گرفتند و یا این که به هر وسیله ای که شده برای حفظ جان خود و فامیل، کشور را ترک می نمودند. لذا فرار را بر قرار ترجیح دادند و قادر شدند تا خود را با صد ها لیل و نهار از طریق کوه ها و دشت ها و شب و روز منزل زدن، گاهی پیاده و گاهی با لاری و یا اسب و خر به یکی از کشور های همسایه افغانستان، ایران و پاکستان برسانند.

از زمان تجاوز شوروی به کشور ما افغانستان سه میلیون پناهنده در پاکستان و حدود دو میلیون در کشور ایران زندگانی می کردند. دولت پاکستان در آزمان از یک جانب روی منافع اقتصادی که کشور های امپریالیستی به خصوص از جانب امپریالیسم امریکا به وی وعده داده شده بود، مهاجران افغان را با آغوش باز می پذیرفت و از جانب دیگر امپریالیسم امریکا می خواست تا از طریق ارتباطات و همکاری ها با دولتهای خودفروخته، رشوت خور و منفعت جوئی مانند پاکستان و امثالش جهان را تحت کنترل خود داشته باشد، به همین منظور دولت پاکستان از حمایت

اقتصادی عام و تام امپریالیسم امریکا برخوردار بوده است. دولت پاکستان هم جهت گسترش نفوذش در افغانستان و برآورده ساختن اهداف ستراتیژیک امپریالیسم امریکا در منطقه، مهاجران را اجازه داده بود تا با مردم محل همگام و هم‌رنگ شوند و آنها را تشویق می‌کرد تا با اردوگاه‌های اسلامی که آزمون نیروی مقاومت رسمی با رهبران خود فروخته‌آن، علیه دولت خائن و جنایتکار حزب "دموکراتیک خلق" و متجاوزان شوروی، فعالیت و مبارزه نمایند. خلاف آن، سیاست دولت آخندی ایران در برابر پناهجویان این بود که بخش عمده آنها را در بازار کار ایران با کمترین دستمزد استثمار نموده و قسمت ناچیزی از آنها را در اردوگاه‌ها محدود نموده، روی اهداف مشخصی که داشتند، تمام فعالیت‌های سیاسی- اجتماعی آنها را هدایت می‌کردند. ناگفته نماند که هر دو دولت از حمایت اقتصادی ملل متحد و امریکا نسبت به پناهجویان افغان برخوردار بوده‌اند.

مگر امروز که امریکا و ملل متحد کمک‌های سرشار اقتصادی را به دولت پاکستان و ایران قطع کرده‌اند، آنها هم شروع به اخراج پناهندگان نموده‌اند.

به صراحت باید گفت: با تجاوز امپریالیسم امریکا و متحدینش که حدود ۱۶ سال از آن می‌گذرد، دولت‌های جنایتکار و طالب پرور ایران و پاکستان بازاری سیاسی و تجاری افغانستان را تسخیر نموده و تا می‌توانند طالب و چلی و ملا، اموال خانه، خوراکه باب، مواد تعمیراتی و آنچه را که تصور می‌شود به افغانستان صادر نموده و بازار افغانستان را با صدور موادی غذایی و مواد عفونی یعنی طالب و چلی پر ساخته‌اند. به همین ترتیب آنها تا می‌توانند در بخش‌های مختلف سرمایه‌گذاری می‌کنند. علاوه بر اجناس ایرانی و پاکستانی که بازارهای افغانستان را اشباع کرده است، نظام ضد انسانی، اسلام زده و زن ستیز ایران از صدور رسم و رواج‌های دینی و مذهبی به خصوص در قسمت زنان افغان که با پوشیدن مقنعه، چادر نماز و پوشیدن لباس سیاه رنگ که هیچ‌گاه شامل کلتور و رسم و رواج‌های افغانها نبوده است، دریغ نورزیده‌اند. امروز دیده می‌شود که رژیم سرکوبگر آخندی قادر شده است تا جهت گسترش اهداف پلید خود که ایجاد محدودیتها و نابرابری‌های جنسیتی یکی از آنهاست، رسم و رواج حجاب جبری را که زنان در جامعه مذهب زده ایران مجبور هستند تا خود را به آن تطابق داده و از احکام زن ستیز آنها پیروی کنند، جانشین رسم و رواج حجاب زنان در افغانستان بسازد. حجاب جبری زنان در ایران علاوه بر این که آنها را تحت سیطره افکار مرد سالارانه دینی و مذهبی قرار می‌دهد، باعث سلب حقوق و آزادیهای فردی آنها نیز می‌گردد. حجاب جبری به ذات خود توهین و اهانت به جنس زن و نمادی از تجسم بربریت است. همچنان دولت ضد مردمی ایران در صدد است تا خرافات مذهبی را که در ماه محرم در ایران برگزار می‌شود، در افغانستان هم ترویج و تطبیق نماید و از این طریق خلق‌ها را به سياه‌روزی، جهالت و ماتم سوق بدهد.

طوری که می‌دانیم، دولت ایران روی اهداف سیاسی و پلانه‌های شوم خود تعدادی از پناهجویان را در مدرسه‌های آخندی و جاسوسی خود تربیه نموده تا آنها به حیث مدافعان رژیم آخندی در افغانستان فعالیت نمایند و مسایل دینی و مذهبی و زبانی و قومی را میان اقوام افغانستان دامن بزنند.

حالا که منافع اقتصادی ایران و پاکستان از درک پناهجویان افغان قطع شده است، شروع نمودند تا آنها را از کشور‌های خود اخراج نمایند. تعداد زیاد پناهجویان افغان در سال ۲۰۱۶ به خاطر تهدیدات دولت، آزار و اذیت و فشاری حد و حصر پولیس پاکستان مجبور شدند تا پاکستان را ترک بگویند و به کشور خود افغانستان برگردند. طبق گزارشات داده شده، در ماه سپتمبر سال گذشته حدود ۹۸ هزار افغان جهت بازگشت به زادگاه خود ثبت نام کرده بودند.

قرار گزارش ملل متحد ۶۰۰.۰۰۰ افغان تا آخر سال ۲۰۱۶ پاکستان را ترک گفته‌اند. علاوه بر آن اخراج اجباری انسانهایی که ده‌ها سال در پاکستان زندگی کردند و یا این که در آنجا تولد شده‌اند و کشور خود را فقط از ورای قصه

ها و حکایت کردن ها می شناسند، مجبور ساخته می شوند تا در کشوری که نه تنها آینده نامعلوم در انتظار بسیاری از آنهاست بلکه نا امنیتی، جنگ و جدال و کشت و کشتار، غربت و بدبختی و ده ها مشکل دیگر هم دامنگیر مردم آن است، برگردند.

ایران از مدت زیادی است که به اخراج پناهجویان و محدود ساختن تحرکات حیاتی آنها شروع کرده است. پناهندگانی که در ایران زندگانی می کردند تحت حمایت اقتصادی ملل متحد بوده و با همکاریهای کمیساریای عالی پناهندگان تعدادی از افغانها در ایران بیمه می شدند. همچنان ملل متحد جهت سواد آموزی پناهجویان افغان کمک های اقتصادی به دولت ایران کرده است. دولت ایران در تمام مدتی که پناهجویان در ایران زندگانی می کردند، متواتر از ملل متحد تقاضا می نمود که ما به یک سرمایه گذاری جدی تر و بیشتر نیاز داریم تا بتوانیم اتباع بی سواد و یا کم سواد افغان را آموزش بدهیم. دیده می شود که هر یک از این دو دولت به خاطر پناهندگان افغان مبالغ هنگفتی را دریافت نموده ان، اما این که آیا آن پولها در جهت بهبود زندگانی پناهجویان به مصرف رسیده است و یا نه، به یقین که جواب منفی است. پناهندگان افغان در ایران نزد سردمداران رژیم دار و تازیانه و طبقه حاکم آن کشور، به جز از نیروی کار ارزان، نیروی زحمتکش و ستمکش و منبع عایداتی سرمایه داران به هیچ صورت ارزش انسانی، انسانی که کشورش در آتش حملات جنایتکارانه متجاوزان، ارتجاع و دولتهای دست نشانده آنها سوخته و می سوزد، نداشته اند.